112905 ـ شخص مصیبت‌دیده چگونه بداند که مصیبتش عقوبت است یا آزمایشی برای بالا بردن درجاتش؟

سوال

اگر برای مسلمانی مصیبتی رخ دهد، چگونه بدانیم که آیا آن، عقوبتی برای گناهانش است یا آزمایشی برای بالا بردن درجاتش؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

مصیبت‌ها و آزمایش‌ها در کتاب و سنت ـ علاوه بر حکمت خداوند متعال در قضا و قدرش ـ دو سبب مستقیم دارند:

سبب اول: گناهان و نافرمانی‌هایی که انسان مرتکب می‌شود، چه کفر باشد یا گناهی صِرف یا گناهی کبیره. خداوند عزوجل به سبب آن، صاحبش را به عنوان مجازات و عقوبت فوری، به مصیبت مبتلا می‌سازد.

خداوند عزوجل می‌فرماید: وَمَا أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ [النساء: ۷۹] (و هر بدی به تو رسد، از جانب خودِ توست).
مفسران گفته‌اند: یعنی به سبب گناهت. و پروردگار متعال می‌فرماید: وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ [الشوری: ۳۰] (و هر مصیبتی به شما رسد، پس به خاطر دستاورد خودتان است و از بسیاری [گناهانتان] درمی‌گذرد).
رجوع کنید به: «تفسیر القرآن العظیم» (۲/۳۶۳).

و از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند:

«هرگاه خداوند برای بنده‌اش خیری بخواهد، عقوبت او را در دنیا تسریع می‌بخشد، و هرگاه برای بنده‌اش شری بخواهد، به سبب گناهش [عقوبت] او را نگه می‌دارد تا در روز قیامت با آن [گناهان] به سزایش برساند».

این حدیث را ترمذی (۲۳۹۶) روایت کرده و آن را حسن دانسته است و آلبانی در «صحیح الترمذی» آن را صحیح دانسته است.

سبب دوم: ارادهٔ خداوند برای بالا بردن درجات مؤمن صابر: خداوند متعال، مؤمنِ صابر را به مصیبت مبتلا می‌سازد تا او راضی و صابر باشد و در نتیجه، پاداش صابران را در آخرت به طور کامل دریافت کند و نزد خداوند از رستگاران نوشته

شود. بلا و آزمایش همواره همراه انبیا و صالحان بوده و از آنان جدا نمی‌شده است؛ خداوند آن را کرامتی برای آنان قرار داده بود تا به وسیلهٔ آن به درجهٔ عالی در بهشت دست یابند. و به همین دلیل در حدیث صحیحی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمده است: «هرگاه برای بنده‌ای از جانب الله، جایگاهی مقدر شده باشد که او با عملش به آن نرسیده است، خداوند او را در جسمش یا در مالش یا در فرزندش مبتلا می‌سازد». این حدیث را ابوداود (۳۰۹۰) روایت کرده و آلبانی در «السلسلة الصحیحة» (شماره/۲۵۹۹) آن را صحیح دانسته است.

و از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «بزرگیِ پاداش، با بزرگیِ بلاست، و همانا الله هرگاه گروهی را دوست بدارد، آنان را مبتلا می‌سازد. پس هر کس راضی شود، خشنودی برای اوست، و هر کس خشمگین شود، خشم برای اوست». این حدیث را ترمذی (۲۳۹۶) روایت کرده و آن را حسن دانسته است و شیخ آلبانی در «السلسلة الصحیحة» (شماره/۱۴۶) آن را صحیح دانسته است.

هر دو سبب فوق، در حدیث عایشه رضی الله عنها جمع شده است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «هیچ مصیبتی به مؤمن نمی‌رسد، حتی خاری [که در پایش رود] یا بالاتر از آن، مگر اینکه خداوند به وسیلهٔ آن، او را درجه‌ای بالا می‌برد، یا گناهی را از او پاک می‌کند». این حدیث را بخاری (۵۶۴۱) و مسلم (۲۵۷۳) روایت کرده‌اند.

سپس باید دانست که تداخل و اشتراک میان این دو سبب، بسیار بیشتر از حالاتی است که هر یک از آنها به تنهایی رخ می‌دهد:

آیا نمی‌بینی کسی را که خداوند به سبب گناهش به مصیبتی مبتلا می‌کند، اما او صبر و شکر می‌ورزد، پس خداوند متعال هم گناهش را می‌آمرزد و هم درجه‌اش را در بهشت بالا می‌برد و پاداش صابرانِ شاکر را به او عطا می‌کند.

همچنین، کسی که خداوند او را به مصیبت مبتلا می‌کند تا به جایگاه والایی که برایش در بهشت نوشته است برسد، همان مصیبت، گناهان گذشته‌اش را نیز پاک می‌کند و جزای آن گناهان در دنیا تسویه می‌شود تا در آخرت برایش تکرار نگردد. چنانکه برای برخی از رسولان و انبیا رخ داد: مانند آدم علیه السلام و یونس علیه السلام. الله سبحانه وتعالی آدم را با اخراج از بهشت، و یونس بن متی را با [گرفتار شدن] در شکم ماهی مبتلا ساخت. پس خداوند به سبب صبر و امیدِ ثوابشان، درجهٔ هر دو را با این بلا بالا برد و در عین حال، این [بلا] کفاره‌ای برای آن مخالفت بود که از هر یک از آن دو ـ علیهما الصلاة والسلام ـ سر زده بود.

و دلیلی که بر این [در هم تنیدگی] دلالت می‌کند، این است که جزای دنیوی از جزای اخروی جدا نیست و ذکرِ همراهِ این دو سبب در بسیاری از احادیث صحیح نبوی آمده است. از جمله حدیثی است که سعد بن ابی‌وقاص رضی الله عنه روایت کرده است که گفت:

«گفتم: ای رسول خدا! کدامیک از مردم سخت‌ترین بلا را دارند؟ فرمودند: انبیا، سپس کسانی که به ترتیب به آنان نزدیک‌ترند. شخص بر حسب دینش مبتلا می‌شود. اگر دینش استوار باشد، بلایش شدیدتر می‌شود، و اگر در دینش سستی باشد، بر حسب دینش مبتلا می‌شود. و بلا پیوسته با بنده همراه است تا جایی که او را در حالی رها می‌کند که بر روی زمین راه می‌رود و هیچ گناهی بر او نیست».

این حدیث را ترمذی (۲۳۹۸) روایت کرده و گفته است: حسن صحیح است.

با این وجود، ممکن است در برخی از صورت‌های بلا، یکی از این دو سبب، از سبب دیگر آشکارتر باشد. و این را می‌توان از طریق قرائن و شواهد حالی که به آن مصیبت مربوط است، دریافت:

اگر شخص مبتلا، کافر باشد: در این صورت، ممکن نیست که بلای او برای بالا بردن درجاتش باشد، زیرا کافر در روز قیامت نزد خداوند هیچ وزنی ندارد. اما ممکن است در آن، عبرت و پندی برای دیگران باشد تا مانند او عمل نکنند. و همچنین ممکن است از جمله عقوبت فوری خداوند برای او در دنیا باشد، علاوه بر آنچه برای او در آخرت ذخیره کرده است. الله تعالی می‌فرماید: أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ * لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ [الرعد: ۳۳ـ۳۴] (پس آیا کسی که بر هر شخصی، به [عملکرد] آنچه انجام داده، نگهبان است [مانند کسی است که چنین نیست]؟ و برای الله شریکانی قرار دادند. بگو: «آنان را نام ببرید، یا او را از آنچه در زمین نمی‌داند، با خبر می‌کنید؟ یا سخنی سطحی [و بی‌پایه می‌گویید]؟» بلکه برای کسانی که کفر ورزیدند، نیرنگشان آراسته شده و از راه [حق] بازداشته شده‌اند و هر کس را الله گمراه کند، پس برای او هیچ هدایتگری نیست * برای آنان در زندگی دنیا عذابی است و قطعاً عذاب آخرت سخت‌تر است و برای آنان در برابر الله، هیچ نگهدارنده‌ای نیست).

و اما اگر شخص مبتلا، مسلمانی گناهکار و متجاهر به گناه باشد: در این حالت، گمان غالب بر این است که این ابتلا، جنبهٔ مجازات و عقوبت دارد؛ زیرا پاک شدن گناهان بر بالا رفتن درجات اولویت دارد و شخص گناهکار، نیازمندتر به پاک شدن گناهانش است تا بالا رفتن درجاتش.

در مقابل، اگر مسلمان، فردی عابد، مطیع و صالح باشد و میان او و خداوند جز بندگی حقیقی، شکر، حمد، توبه و خضوع در برابر او سبحانه، چیزی نباشد: در این حالت، گمان غالب بر این است که ابتلای او، جنبهٔ کرامت و بالا بردن درجات را دارد. و بندگان، شاهدان خدا در زمین هستند، پس اگر او را به صلاح بشناسند، می‌توانند او را به بالا رفتن درجاتش نزد الله تعالی، در صورتی که بر بلایش صبر کند، بشارت دهند.

اما اگر شخص مبتلا، خشم و بی‌تابی از خود نشان دهد، گمان نمی‌رود که ابتلای او کرامتی از جانب خدا برای بالا بردن درجاتش باشد؛ زیرا خداوند متعال از عدم صبر و رضایت او آگاه بوده است. پس در این قرینه، جنبهٔ مجازات و عقوبت،

محتمل‌تر است.

یکی از صالحان می‌گوید:

نشانهٔ ابتلایی که جنبهٔ عقوبت و مقابله دارد: عدم صبر هنگام وجود بلا، و بی‌تابی و شکایت بردن به خلق است.

و نشانهٔ ابتلایی که برای کفاره و پاک شدن گناهان است: وجود صبر جمیل بدون شکایت، بی‌تابی، دلتنگی و بدون سنگینی در ادای اوامر و طاعات است.

و نشانهٔ ابتلایی که برای بالا رفتن درجات است: وجود رضا و موافقت، آرامش نفس، و تسلیم در برابر تقدیرات الهی است تا زمانی که [آن بلا] برطرف شود.

بنابراین، این‌ها چیزی نیستند جز «قراین ظنی» که بنده می‌تواند در آنها تأمل کند تا گوشه‌ای از حکمت خداوند متعال در مصیبت‌ها و محنت‌ها را بشناسد؛ نه اینکه به وسیلهٔ آنها، به طور قطعی دربارهٔ خود یا دربارهٔ دیگر بندگانِ مبتلای خداوند، حکم کند.

شاید مهم‌تر از تمام این تفصیلات، این نکته باشد که گفته شود:

فایدهٔ عملی‌ای که بنده باید در آن تأمل کند این است که هر مصیبت و ابتلایی، برای او خیر و پاداش است، البته اگر صبر کند و احتساب اجر و بخشیده شدن گناهان را داشته باشد؛ و هر بلا و مصیبتی برای او بد و شر است اگر بی‌تابی کند و خشمگین شود. پس اگر خود را برای تحمل مصیبت‌ها و رضا به قضای الهی آماده کند، دیگر دانستن یا ندانستنِ سببِ آن بلا، برایش ضرری نخواهد داشت.

بلکه بهتر آن است که همواره نفس خود را به گناه و کوتاهی متهم سازد و در آن به دنبال خلل یا لغزشی بگردد. چرا که همهٔ ما خطاکاریم و کدام‌یک از ما در حق الله تعالی کوتاهی نکرده است؟ هرگاه خداوند متعال، مسلمانان را در روز احد ـ در حالی که آنان اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و بهترینِ بشر پس از رسولان و انبیا بودند ـ به سبب مخالفت با یک امر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به آن شکست بزرگ مبتلا ساخت، پس چگونه انسان پس از آن گمان می‌کند که در هر مصیبتی که به او می‌رسد، مستحق بالا رفتن درجات است؟

ابراهیم بن ادهم رحمه الله ـ هرگاه شدت باد و آشفتگی آسمان را می‌دید ـ می‌گفت: «این به سبب گناهان من است، اگر من از میان شما خارج می‌شدم، این [بلا] به شما نمی‌رسید».

پس حالِ ما گناهکارانِ مقصر چگونه خواهد بود؟

سپس، بهتر و مهم‌تر از همهٔ اینها، آن است که بنده همواره و در هر حالی، به پروردگارش گمان نیک داشته باشد؛ زیرا الله سبحانه وتعالی، سزاوارترین به زیبایی است و او اهل تقوا و اهل مغفرت است.

از خداوند متعال می‌خواهیم که به ما رحم کند و ما را بیامرزد، و آنچه را که به نفع ماست به ما بیاموزد، و در مصیبت‌هایمان به ما پاداش دهد. همانا او شنوای اجابت‌کنندهٔ دعاهاست.

والله اعلم.